

آفتاب دلتوشته
علاقه به برنامه‌های غیر شطرنجی ماهوارهای!
امیرحسین خلکی، روزنامه‌نگار

نقل به شایعه است رئیس صدا و سیما یا مدیر سازمان صدا و سیما و شرکا در تطقی روشنگرانه و زیادی رئالیسم آن هم از نوع "رئالیسم جادویی" فرمودند: ۸۵ درصد مردم برنامه‌های ما را می‌بینند، لذا چند نکته عرض می‌گردد:

«آقای عسگری مردم تلویزیون می‌بینند، اما تلویزیون دیدن به معنی دیدن برنامه‌های رسانه ملی نیست، چون از تلویزیون شبکه‌های ماهواره‌ای هم می‌بینند که البته کار بدی می‌کنند.»
«البته در حالی که رسانه ملی پاک‌ترین رسانه دنیاست، آن قدر که حتی در بخش مسابقات ورزشی هر جا صحنه ناچور و ناسواری باشد رسانه ملی آن را شطرنجی می‌کند. اصولاً ۸۵ درصد مردم عاشق همین شطرنج‌بازی‌های رسانه ملی‌اند. منتهمی از آنجا که مرغ همسایه غاز است برخی برنامه‌ها "غیر شطرنجی" ماهواره را بیشتر می‌بینند.»
«خدمت ایشان عرض کنم حتی دیدن برنامه‌های رسانه ملی دلیل بر اعتماد یا پسندیدن نیست، مگر هر کسی خواستگاری رفت دلیل بر پسندیدن است که هر کسی برنامه رسانه ملی را ببیند یعنی آن را پسندیده؟»

«همچنین به جد یا طنز جناب صادق زیساکلام که اخیراً از دانشگاه آزاد بدون استعفاي عزتمندانه خروج کرد! گفته: اگر ۸۵ درصد مردم رسانه شما را می‌بینند چرا پارزیت برای ۱۵ درصد ارسال می‌کنید؟ که البته فدوی عرض می‌کنم بالاخره اگر پارزیت هم ارسال می‌کنند مجانی ارسال می‌کنند. حال اگر ضررهم داشته باشد از قدیم می‌گویند مفت باشد کوفت باشد. اما از جدی رد کرده به نظر من ۸۵ درصد مردم تلویزیون می‌بینند، نه رسانه ملی!»
«البته آمار دقیق‌تر این است که رئیس رسانه ملی بگوید: ۸۵ درصد مردم برنامه «دوره‌می» «خندوانه» و «نود» و امثالهم می‌بینند ۱۵ درصد برنامه‌های میزگرد سیاسی با کارشناسان خبره یک جناح خاص می‌بینند که وقتی حرف می‌زنند آدم احساس می‌کند سلیقه ۸۵ درصد مردم را نمی‌بینند، در این مملکت زندگی نمی‌کنند، خودمانی بگویم در باغ نیستند یا اگر هستند در کوچه باغ‌های خود هستند.»

«شما آمار واقعی بگیرید. اگر نتیجه دلخواه بود آنگاه جار بزنید مزده دهید مزده دهید یا یار پسندید مرا. بالاخره مشک آن است که خود بپوید نه آنکه علی عسگری (عطار سابق) بگوید.»



آفتاب یادداشت مطب
بازار شب عید نازی آباد
بازار دوم نازی آباد از هوای شب عید غلغله است دستفروش‌ها که به بساط خود را کنار پیاده‌روها پهن کرده‌اند. پوشاک فروشی‌ها مغازه‌های خود را پر کرده‌اند سوزن بیندازی پایین نمی‌آید هم فروشنده‌ها زیاده‌اند هم خریداران ولی بازار را کند است نه فروشنده‌ها چیزی می‌فروشند نه خریداران چیزی می‌خرند عرضه بالاست به تبع آن تقاضای خالی بین این دو خالی است و باید با پول پرشود که هرگز بر نمی‌شوند بنابراین بین این دو هرگز وصلتی صورت نخواهد گرفت و بازار با تمام جنب و جوشش همچنان خالی است.

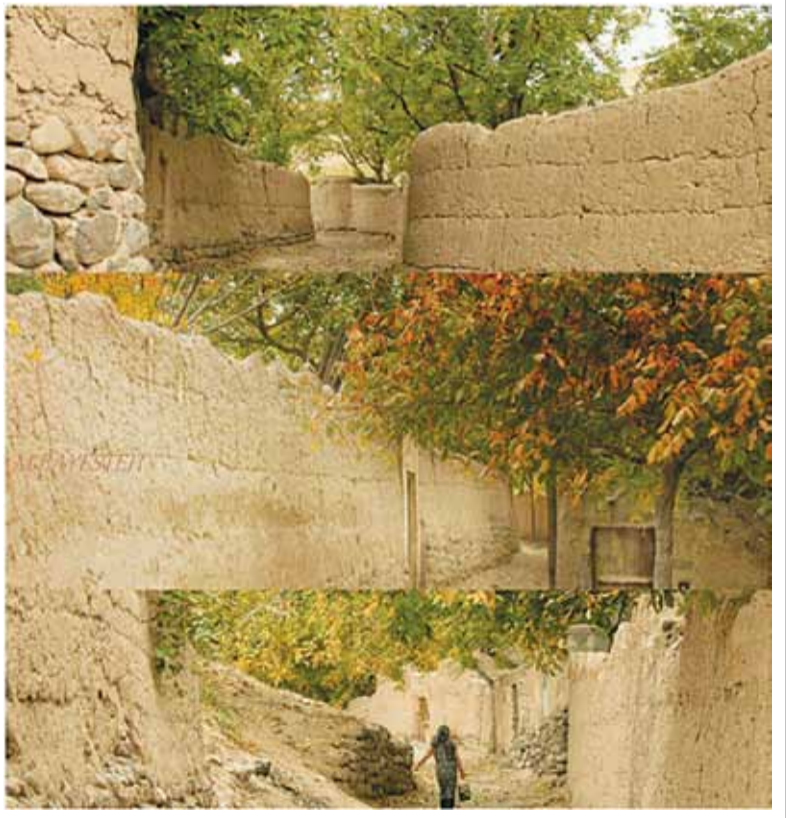
آفتاب شعر روز
نیمای نعمتی
معرفت

معرفت حدیث حیات پاکان جهان است
شناسه اهل نیک کوی و برزن است
کالای ناب بی همتا
به روزگار دویدن‌های بی پایان است
به هر که عرضه شود رونق بازار است
عشق ورزیدن به دیگری
بی‌چشم‌داشت است
معرفت که داشته باشی
مشکلات با بی‌معرفتی‌ها
دوچندان است
آن سرچشمه نوری
که ز دیوار بلند خانه‌ها
به دروازه‌های شهر در فوران است
سخن راندن با همگان
در کمال آرامش است
بخشایش و صداقت بی‌کران است
می‌دانی عشق
چه اندازه غرق در محبت است
مهربانی را ترجمه کرده‌ای اما
هنوز هم یاد و خاطرات
گوشه‌ای تا ابد پنهان است

امام علی (ع): کسی که بدگمان باشد، از هر کس وحشت کند.

آفتاب نمایین
ترقه بازی احمدی نژاد در جشن چهارشنبه سوری
اندر حکایت چهارشنبه سوری و جشن و آتش بازی و ترقه بازی حرف و سخن بسیار است. نقل به شایعه یا طنز و کنایه است که در این معرکه چهارشنبه سوری، احمدی نژاد هم در شب جشن چهارشنبه سوری شرکت کرده و ترقه بازی هم کرده البته با شناختی که از این بچه شیطان می‌رود حقیقت داشتن این شایعه بعید نیست. خیر دقیق دارم وی در

آفتاب معرفی
تبریز ۲۰۱۸: کوچه باغ‌های سردی
یکی از نقاط مهم در تبریز ۲۰۱۸ که می‌تواند مورد توجه گردشگران داخلی و خارجی باشد سردرد است. سردرد در جنوب غربی تبریز قرار گرفته و سردمدار تابلو فرش ایران و جهان است و به همین جهت عنوان پایتخت تابلوفرش را به یک می‌کشد. نام محلی این شهر، سردری است. فارغ از هنر فرش دستبافت که می‌تواند سوغاتی گرانبه‌ای برای بسیاری از گردشگران تبریز ۲۰۱۸ باشد. سردرد دارای کوچه باغ‌های فراوانی است که در هر چهار فصل بهار، تابستان، پاییز، زمستان طرفداران طبیعت زیبا و پاک را به سوی خود می‌کشد. شاید بی‌راه نباشد که گفته شود همین طبیعت زیبا و دل انگیز الهام‌بخش بسیاری از فرش‌بافان شهر می‌شود و دستاورد پرتوانی آنها را در خلق سبک‌های مختلف یاری می‌کند. اساساً



آفتاب معرفی کتاب
معرفی کتاب «اخلاق و سیاست»
بررسی رابطه بین اخلاق و سیاست از بعد نظری و امکان تحقق آن در بعد عملی یکی از ملزومات جامعه ایرانی است. «اخلاق و سیاست» عنوان کتاب جدیدی است از محمد برم مشکینی، نویسنده، تحلیلگر و پژوهشگر حوزه علوم انسانی که تعدادی از یادداشت‌های وی نیز در آفتاب یزد در چاپ رسیده است. این کتاب مشتمل بر سه فصل سیاست، اخلاق، سیاست اخلاقی و اخلاق سیاسی است. همچنین مقدمه این کتاب به قلم دکتر فرزاد

روزنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی
aftab.yz@gmail.com
سامانه پیامک آفتاب یزد: ۳۰۰۰۴۱۴۲۷
عضو انجمن روزنامه‌های غیر دولتی - تعاونی مطبوعات - انجمن مدبران رسانه
توصیه می‌شود در خصوص برخی آگهی‌ها تحقیق لازم صورت گیرد

آفتاب فلش بک سیاسی
روزنامه آفتاب یزد در نظر دارد در روز در این ستون بخشی از خاطرات سیاسیون برجسته کشور را به چاپ برساند. این سلسله خاطرات را بر مرحوم اکبر هاشمی رفسنجانی از مسئولان با سابقه نظام ادامه می‌دهیم. او زاده رفسنجان و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، نماینده تهران در مجلس خبرگان رهبری و رئیس هیئت موسس و هیئت امنای دانشگاه آزاد اسلامی بود. هاشمی‌همچنین اولین رئیس مجلس شورای اسلامی و چهارمین رئیس جمهور ایران در دو دوره پیاپی بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ بوده و به عنوان یکی از پر نفوذترین شخصیت‌های سیاسی نظام شناخته می‌شود.

از مقدمه نویسی خوشم نمی‌آید
سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در رابطه با جناح حزب‌اللهی‌های درون سازمان و آقای حسین راستی کاشانی مشورت کرد. انقلابی در خارج بر بعضی از سفرا - از جمله آقای نواب سفیر ایران در آلمان - صحبت داشت و چاره‌جویی کرد. سه او گفتیم که حتی امکان باید دانشجویان را حفظ کرد ولی باید تعدیل شوند. معتقد بود که لازم است من به هندوستان بروم. سپس آقای محمدحسن زورق معاون سیاسی صدا و سیما آمد و راجع به کتابش که باید تجدید چاپ شود، مشورت کرد. اصلاحاتی را پیشنهاد کردم. انتظار دارد که مقدمه‌ای بنویسم و من از مقدمه‌نویسی خوشم نمی‌آید. آقای مرتضی الپوری آمد و برای حل مشکل

آفتاب ایرانشهر من
صفوف درآمدزا
علیرضا جعفری
اصولاً ما ایرانی‌ها صف و نوبت را دوست داریم. خیال نکنید که این موضوع سابقه تاریخی ندارد، آسیاب به نوبت از قدیم بوده است. اگر ما از مقابل یک نانوايي رد بشویم که خلوت باشد تمامی در ما ایجاد نمی‌شود که بایستیم و نایب تهیه کنیم، اما اگر ببینیم شلوغ است حتماً می‌ایستیم و نان این است یا بهتر است بگویم صف و نوبت چه فوایدی دارد. هیچ یک از ما، در صف سکوت نمی‌کنیم بلکه در حال گفت‌وگو هستیم، از همه نوع، آزاد و بدون خودسانسوری. اطلاعاتی در این صفاها رد و بدل می‌شود که در هیچ نگاه خبری نمی‌توانی نظیر آن را پیدا کرد. از خود خبرها مهم‌تر تحلیل خبرها است. حتی گفته می‌شود چهل درصد ریشه زدواج‌ها در همین صفاها بسته می‌شود. در همین صف‌ها، درمان بسیاری از دردهای لاعلاج تجویز می‌شود. خانمی می‌فرماید: «عروس گل‌نویز خانم، سرطان خون از نوع بسیار بد گرفته، دکترها جواب کرده‌اند» پسرزنی که چارقد نخودی به سر دارد، می‌فرماید که: «عروس عمه فرنگیز هم این طور شده بود، دم کرده تلخون دادند خوب شد.» تازه اینها به جای خود

آفتاب دیالوگ
پسر: تو چی گوش میدی؟
دختر: من بیشتر سنتی گوش میدم... شجریان، قربانی... البته رادیو رو ترجیح میدم... پسر: رادیو؟! مگه هنوز هست!؟

شماره ۱۷ سپهلا - محمود غفاری

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: منصور مظفری
سرمدبیر: سیدعلیرضاکریمی
تهران: خیابان شهید مطهری، ابتدای قائم‌فرهانی (به سمت هفت تیر)
کوچه ۲۶ پلاک ۱۰ طبقه اول واحد یک
امور آگهی‌ها: ۷۷۸۲ ۸۱۹ ۰۹۱۲
تلفن: ۸ - ۸۸۳۲۱۲۹۷ - ۸۸۳۲۱۲۹۹
چاب: روزتاب - جاده مخصوص - تلفن: ۷۶-۴۴۵۴۵
توزیع: تلفن: ۷۷۸۲ ۸۱۹ ۰۹۱۲
دفتر مرکزی یزد: بلوار ۲۲ بهمن، تلفنکس: ۳۵۲۴۶۹۱۹ - ۳۵ - ۳۵
مقالات و نوشتارهای ارسال به روزنامه آفتاب یزد و در صورت عدم چاپ مسترد نمی‌گردد

چهارشنبه ۲۳ اسفند ۱۳۹۶ | 14mar 2018 | ۲۵ جمادی الثانی ۱۴۲۹ | **اسال ۲۰ (شماره ۵۱۳۸)**

آفتاب یادداشت
ترتیبش دادم که هیزم کنی
عبدالحسین طوطیابی

برنامه‌ها احداث آزاد راه شمال از ابتدا نیز با مخالفت دلسوزان منابع طبیعی کشورمان روبه‌رو بود. در آن زمان خطه شمال هنوز کاملاً تن به هیولای تخریب و ضرب و جرح ویلاسازی‌ها نداده بود. برای مسافران مشتاق این امکان فراهم بود که در گذر از کناره‌ها، هر چند لحظه یکبار نگاهشان بر آبی دریا بیفتد. در هر نگاه آفتابی داموند سرافراز از بلندی ستیغش پرتو امید بر چشمان مشتاقان می‌افتند تا برایشان روابتی هر روزه از حماسه آرز داشته باشد. از آن هنگام که خیر از احداث بزرگراه تهران - شمال آمد بیم احداث جاده‌ای فراتر از میزان پایبندی به بستر حیات، تشویش در دل آگاهان افکنده بود. اما گویی عزم‌های جزم و آهنین در ساخت این بزرگراه در پیوندهای آرام و مخملین دیده‌بانان عرصه حیات چیره و ماشین‌آلات تخریب غرش کنان رو به سوی آن طبیعت بی‌دفاع نهادند. کارشناسان از انقراض حداقل چهل گونه گیاهی هشدار می‌دادند. اما از آن سو مجربان از رونق و توسعه نوید و وعده آن دادند که هرگز بیش از عرض جاده به عمق آسیب‌های رخ داده بر طبیعت شمال را مطالبات دلسوزان طبیعت این خطه بی‌نظیر فرو کاسته است اما از این سو ادامه بزرگراه نیز متوقف شده است. مصاحبه‌های اخیر رسانه‌ها به مسئولین مرتبط با این بزرگراه وحاشیه‌های آن، موارد نهفته‌ای را با افکار عمومی عرضه کرد. معاون حفاظت و امور اراضی سازمان جنگل‌ها، آبخیزداری و مراتع اظهار داشت در سال ۱۳۷۵ با تصویب هیئت دولت ۶۲۵۰ هکتار اراضی ملی برای احداث بزرگراه در اختیار بنیاد مستضعفان قرار گرفت. با توجه به اینکه ۲۵۰۰ هکتار از این اراضی برای خود جاده مورد نیاز بود قرار شد ۳۷۸۰ هکتار باقیمانده توسط بنیاد خریداری تا برای جبران کمبود اعتبار مالی بزرگراه به مصرف برسد.

نکنه قابل تامل در این مصاحبه تن دادن مدیریت سازمان جنگل‌ها و مراتع آن زمان برای واگذاری زمین مازاد بر بساط جاده به پیمانکار بوده است. در شرایطی که در آن زمان مرتباً و از تریبون مختلف تأکید بر این می‌شد که اراضی حاشیه این بزرگراه دست‌نخورده خواهد ماند این واگذاری می‌توانست ناقضی‌ها را در گشتار و کردار آشکار کند. معاون سازمان جنگل‌ها از اینکه اخیر سازمان متبوع وی موفق شده است هزار هکتار جنگلی از این اراضی را باز پس گرفته به و برای آن اراضی غیر جنگلی را بدهند ابراز رضایت کرده و آن را به‌عنوان دستاوردی مثبت تلقی کرد. متأسفانه این مسئول محترم توضیح ندادند براساس چه مبنای قانونی و عرفی تلقی یا هر نهاد دیگری می‌تواند برای تأمین کسری بودجه‌های عمرانی خود از کیسه تهنی شده طبیعت بستانند.

اکبر ترکان در سال ۱۳۹۰ از واگذاری این پروژه به بنیاد مستضعفان در ایام وزارت راه و ترابری خود اظهار بشیمنی و استغفار کرده بود. متأسفانه جناب ایشان و تمام مدیران کلانی که به شجاعت انتقاد از خود رسیده‌اند بعضاً از این نکته غافلند که آسیب جبران‌ناپذیر به ثروت نسل‌های آینده کشور تنها با یک استغفار و ابراز پشیمانی جبران نمی‌شود. گرچه همین شجاعت در انابت خود گامی مثبت تلقی می‌شود. آیا نباید از بنیادی که نام مستضعفان بر خود نهاده و مالک واقعی آن، وارثان آینده زمینند انتظاری بیش از این داشت؟ انتظاری که به جای چشم‌داشت تجاری به منابع ملی اساساً حراست از آن‌ها بایست در سرلوحه برنامه‌های خود قرار بدهد. اینکه نزدیک به سه هزار هکتار از اراضی حاشیه این بزرگراه به‌عنوان هزینه ساخت به تملک دستگاهی تجاری قرار می‌گیرد آیا خود یک زنگ خطر برای تمامی عرصه آن منطقه به شمار نمی‌آید؟ چرا باید دولت ناتوانی خودش را در تأمین اعتبار با حاتم‌بخشی از طبیعت بی‌دفاع جبران کند؟ بدون تردید ساخت و سازهای تجاری در همین ۲۸۰۰ هکتار باقیمانده به مثابه عده سرطانی نهان و همان‌طور که پیش‌بینی هم می‌شد نه از تاک نشانی خواهد گذاشت و نه از تاک نشان. گرچه تلاش‌ها و مقاومت‌های معاونت جنگل‌ها و مراتع کشور را در این خصوص باید که قدر نهاد، اما مادامی که به جای مطالبات بنیاد از سازوکارهایی به‌جز واگذاری زمین استفاده نشود این مقاومت‌ها همچون سوختن ناقص ذغال اتفاقاً به خفگی منجر خواهد شد. امیدواریم این مسئولین و در این آخرین رقم‌های طبیعت کشورمان دریابند که این تیشه که به دست آنان سپرده شده است تنها برای هیزم کردن نیست.

پژوهشگر کشاورزی